

دو عامل نیرومند



برای پرورش انسان

نقش مشکلات و حوادث سخت در تکامل بشر

هر موجودی وقتی استعدادهای نهفته‌اش شکفته می‌گردد، و به مراحل کمال رشد خود می‌رسد، که از داخل و خارج، عوامل گوناگونی او را در این خط سیر یاری نمایند؛ انسان نیز از این قانون عمومی مستثنی نیست، با این تفاوت که تکامل موجودات دیگر، در محدودی خاصی شکل می‌گیرد، در حالی که مراحل تکامل و ترقی آدمی، بی‌پایان و نامحدود است و به همین سبب برای پیوند زاه کمال و نیل به مقام شایسته‌ی انسانی، به تربیت‌های اساسی و دامنه‌دار نیاز مبرم دارد، و باید عواملی چند عهده‌دار پرورش قوای روحی او گردند.

دو نوع عامل در پرورش نیروهای انسانی نقش مهم و اساسی دارند:

- ۱- تعلیم پیامبران که همچون اشعه‌ی خورشید روح انسان را در فروغ خود می‌گیرند، و تیرگیهای صفات ناپسند و اخلاق ناستوده را به تدریج از صفحه‌ی

به خود می‌آورد.

قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلْقٌ هَلُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزَّوَعًا»: انسان مخلوقی سخت حریص و ناشکیبا است، چون با مشکلات دروبرو شود تا آرامی بی‌قرار می‌گردد. (۱)

و در جای دیگر می‌فرماید:

«قَابَأَ الْإِنْسَانَ إِذَا مَا آتَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ، وَأَمَّا إِذَا مَا آتَاهُ رَبُّهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ»: چون پروردگارت انسان را برای امتحان و آزمایش به نعمت‌ها

متمم سازد، مغرور می‌شود؛ و می‌گوید: خدا مرا عزیزتر از کسی داشت (و به خود سری و حق شکنی بر می‌خیزد) و چون برای آزمون؛ روزی او را محدود نمود (نهیون و سرفکنده می‌شود) و می‌گوید: پروردگارت مرا خوار کرد زاریه (آنگاه به پستی می‌گراید و به کارهای ناپسند تن در می‌دهد). (۲)

این کیفیات، از خصایص انسان غیر مذهب است اما وقتی که دل آدمی بارشد انگیزه‌ی مذهبی اجبار گردد، به آزادی نفس که مطلوب نهائی تربیت‌های آسمانی است، خواهد رسید، در این صورت خود را آزادی مطلق به ارزشهای مادی نیاز دانسته و مالک جهان می‌شود. این يك حریص و آزادیگي است که آئوده به اسار گسیختگی حیوانی نیست؛ آزادان تمام موانع و سد‌هایی است که بشریت را از رشد کمال بازمی‌دارند.

۱ - سوره معارج آیه ۲۰-۱۹

۲ - سوره فجر آیه ۱۵-۱۲

۳ - سوره حدید آیه ۲۲

ارزشهای فریبنده، انسان پرورش یافته را متزلزل نمی‌کند، و بر جان و ادا کائنات چیره نمی‌گردند، خداوند در مقام بیان فلسفه‌ی مصایب و مشکلات زندگی که همان رسیدن به مقام آزادگیست می‌فرماید: «لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ فَاتِكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ»: هرگز بر آنچه از دست شما می‌رود تأسف و اندوه نخورید، و دیگر آنکه از یاختن منافع دنیا و مقامی (مغرور) سرخوش نگردید. (۳)

پس هنگامی که انسان از هر نوع بندگی جز بندگی خدا آزاد می‌گردد، و سرسپرده‌ی چیزی جز حق نمی‌شود، این احساس به او دست می‌دهد که دارای نیروی شگرف و فوق العاده‌ای است، کسی که در چنین مکانی پرورش یابد، میدان دیدش وسیع؛ دلش پیدار خواهد بود.

اینکه چیزهای از دست‌رفته را باید به دست فراموشی سپرد؛ و به منافع به دست آمده نیز نباید دلخوش بود؛ يك اثر تربیتی دیگری نیز دارد، و آن اینکه اندوه و تأسف بر فهدان چیز از دست رفته و تمرکز دادن فکری آن به ر کوردها لبتها و نیروهای خلاقه انسان می‌انجامد. و از سوی دیگر دلخوش بودن نسبت به يك منافع، همت و هدف انسان را محدود می‌سازد، و سبب می‌شود که او به امور عالیتر و بهتر، عطف توجه نکند، و در نتیجه از گام نهادن در جاده‌ی تعالی و پیشرفت باز بماند.

«ذَانِ ذِكْرٍ وَسْو» می‌گوید:

دوام نمی آورند، و عاقبت سبری خواهند شد، داشتن بیروی تحمل دشواریها و مشکلات، مانع از ابتلای انسان به برخی از بیماریهای دوائی است، این قدرت ایمان است که به ملور قاطع نیروی تحمل شخص را افزایش می دهد، بدون اینکه به تعادل روانیش لطمه وارد آید، و ثبات در راه هدف را از دست دهد. پیامبر اسلام (ص) این خصوصیت را از مزایای مردان خدا می شمارد: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِ مَثَلُ سَمِيكَةِ الذَّهَبِ اِنْ نَبَخَتْ عَلَيْهَا اِحْمَرَّتْ وَاِنْ قُرِفَتْ لَمْ تَقْتَضِ»: انسان با ایمان همچون شمش طلاست؛ گر آن را در کانون آتش جای دهند نارنگش چون آتش سرخ شود و سپس ورنش کند کمترین کاهش دوزن آن روی نخواهد داد. (۲)

ابرمؤمنان علی (ع) در یکی از نامه های خود برای عثمان بن حنیف، مردمی را در کانون دشواریها پرورش یافته اند، به درختان کوهستانی، و افراد تن پرور و راحت طلب را به درختانی باغستان تشبیه فرموده است:

«آگاه باشید که درختهای بیابانی چون به سخی و کم آبی خوگرفته اند، چوبهایشان سخت تر و شعله ای آتش آنها شدیدتر و سوزنده تر است و دیرتر به خاموشی می گراید. ولی درختان بوستانی بوستهایشان نازکو و چوبهایشان سست تر است و زودتر در هم شکسته می شوند» (۳)

«من که می دانم فنا پذیر هستم چرا در این جهان برای خود بستگیهایی ایجاد کنم؟ در این جهان که همه چیز تغییر می کند، همه چیز می گذرد، و خود من هم به زودی نابود می شوم، بستگی، به چه دردم می خورد؟ ای «امیل»! ای بسرم اگر تو را از دست بدهم دیگر بر این چه باقی خواهد ماند؟ معجزا باید خودم را برای این حادثه ناگوار آماده نمایم، زیرا هیچکس نمی تواند مرا مطمئن سازد که قبل از تو خواهم مرد، پس اگر می خواهی خوشبخت و عاقل زندگی کنی، قلب خود را به زیباترینهای فنا پذیر و استهنا، سعی کن خواسته های محدود و وظایف ات مقدم بر همه چیز باشد.

فقط چیزهایی را طلب کن که با قانون اخلاق مغایر نباشد؟ به خودت عادت بده که همه چیز را بدون ناراحتی از دست بدهی، و بدون اجاره و جبران هیچ چیز را قبول ننما، در این صورت حتماً خوشبخت خواهی شد؛ و به هیچیک از چیزهای زمینی دل بستگی شدید پیدا نخواهی کرد» (۱)

امتیاز ایمان

ایمان یگانه عاملی است که می تواند چنان توان آدمی را نیرومند سازد، و دایره فعالیتش را گسترش دهد، که برای زور بردن با پیچیده ترین و سخت ترین مشکلات، آمادگی پیدا کند، و هرگز دچار ضعف و زبونی نشود. مرد با ایمان می داند که سختی ها هر قدر هم گران باشند در برابر روح شکست ناپذیر او

۱ - امیل ص ۵۴۸

۲ - نهج البلاغه ص ۵۶۴

۳ - نهج البلاغه صبحی صالح ص ۴۱۸